



سیداحسان حسینی
محرران گروه اقتصاد

به‌صفر رساندن رقم صادرات نفت، یکی از اهداف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید آمریکااست که در یادداشت فشار حداکثری به آن تأکید کرده و امیدوار است بتواند در دوره دوم خود نیز اتفاقاتی مشابه سال۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ را رقم بزند؛ برهه‌ای که در آن، میزان فروش نفت ایران به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده بود. از موعد تحلیف ترامپ در ۲۰ ژانویه امسال میلادی تا امروز، وزارت خزانه‌داری آمریکا ۵۳ تحریم جدید بر شبکه فروش نفت ایران شامل نفتکش ها، شرکت‌ها و افراد اعمال کرده است. همچنین فشار آمریکا برای احیای جریان صادرات نفت از اقلیم کردستان عراق به ترکیه به میزان روزانه ۳۰۰ هزار بشکه آغاز شده و مذاکره با عربستان برای افزایش تولید نفت نیز در جریان است؛ تا بدین صورت خلأ حذف ایران از بازار نفت جبران شود. اما به نظر می‌رسد ترامپ برای محدود کردن جریان فروش نفت ایران، تنها به اقدامات تحریمی و ابزار دیپلماسی اکتفا نخواهد کرد و به دنبال توقیف محموله‌های نفت ایران نیز می‌رود. در این صورت، می‌توان انتظار داشت که دور جدیدی از جنگ نفتکش‌ها آغاز شود؛ اتفاقی که یک بار در توقیف سریالی نفتکش‌های ایرانی و آمریکایی در دوره ریاست‌جمهوری بایدن رخ داده بود.

طرح ترامپ

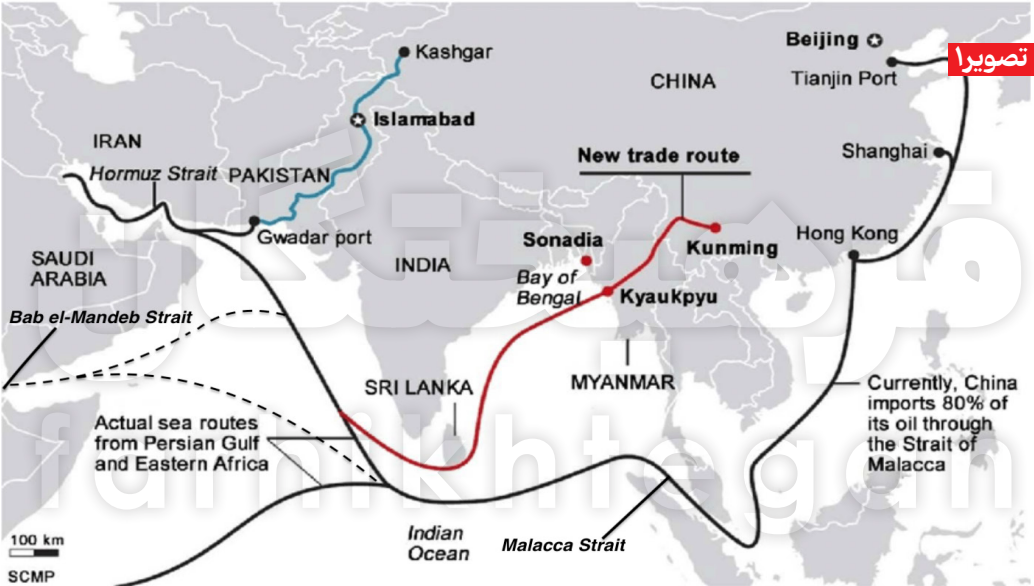
برای توقیف نفتکش‌های حامل نفت ایران

پنجشنبه هفته گذشته، روترز خبر داد که ترامپ در حال بررسی طرحی برای

توقف و بازرسی نفتکش‌های ایرانی در دریا بر اساس یک توافق بین‌المللی با هدف مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است. به گزارش رویترز، ترامپ تاکنون با دو موج تحریمی، ناوگان سایه ایران را هدف قرار داده و اکنون به دنبال راهی برای توقف و بازرسی کشتی‌هایی است که از طریق تنگه مالاکا در آسیا و سایر خطوط دریایی عبور می‌کنند. در تصویر ۱، مسیر انتقال نفت ایران به چین قابل مشاهده است که از تنگه مالاکا بین کشورهای اندونزی، مالزی و سنگاپور می‌گذرد. این تنگه راهبردی اقیانوس‌های آرام و هند را به یکدیگر متصل می‌کند و از نظر نظامی تحت سیطره هند و آمریکااست که به دلایل مختلف، انگیزه بالایی برای آسیب به تجارت نفت چین و ایران دارند.

تنگه مالاکا؛ مهم‌ترین تنگه نفتی دنیا

تنگه مالاکا، کوتاه‌ترین مسیر دریایی برای صادرکنندگان نفت خاورمیانه جهت دسترسی به بازار شرق و جنوب‌شرق آسیاست. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا (تصویر ۲)، در سال ۲۰۲۳ تنگه مالاکا با عبور روزانه ۲۳.۷ میلیون بشکه نفت خام، بیشترین حجم ترانزیت را در بین گلوگاه‌های مهم نفتی دنیا داشته و حتی از تنگه هرمز با ۲۰.۹ میلیون بشکه نفت خام پیشی گرفته است. در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد از صادرات نفت ایران از مسیر تنگه مالاکا عبور می‌کند و به مقصد چین صادر می‌شود. همچنین چینی‌ها نیز برای واردات ۸۰ درصد از نفت موردنیاز خود به این مسیر دریایی وابسته هستند. بنابراین، نقشه ترامپ برای محدودیت در عبور نفتکش‌های حامل نفت ایران به چین، یک تهدید مشترک برای امنیت انرژی هر دو کشور ایران



لزوم توجه به صنایع خلاق در اقتصاد ایران به‌عنوان یک پیشران

سیدمهدی سادات‌حیات‌شاهی
مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری صنایع خلاق
علیرضا شکبیا
مشاور مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری صنایع خلاق

صنایع خلاق به‌عنوان یکی از پدیده‌های نو ظهور و تأثیرگذار عصر ما، جایگاهی ویژه در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور‌ها یافته‌اند. این صنایع که به‌طور مستقیم با تولید و تقویت هویت و فرهنگ ملی پیوند خورده‌اند، ظرفیت قابل توجهی برای اشتغال‌زایی، انسجام اجتماعی و نیل به توسعه پایدار دارند. باوجود توجه نسبی به این حوزه در ایران طی یک دهه اخیر، صنایع خلاق تاکنون نتوانسته جایگاه شایسته‌ای در تحقق اهداف کلان ملی و امنیت ملی، متناسب با چشم‌اندازهای توسعه کشور و برنامه‌های پنج‌ساله بیابند. در این یادداشت بر آنیم تا اهمیت و جایگاه این صنایع را در پیشبرد اهداف ملی بررسی و زمینه‌های مناسب رشد این حوزه را تصویر کنیم.

صنایع خلاق؛ ابزاری برای اهداف کلان ملی

ایران امروز با چالش‌هایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، همچون افزایش شکاف‌های طبقاتی و گسترش ادراک نابرابری مواجه است. در چنین شرایطی دولت وفاق ملی نیازمند تمرکز بر کارویژه‌ای برای ترمیم این گسل‌های اجتماعی است. صنایع خلاق تنها با تولید محتوایی که به تقویت هویت ملی، کاهش تبعیض، و ارتقای تعاملات اجتماعی منجر می‌شود، بلکه با ایجاد فرصت‌های شُغلی جدید، تقویت مشارکت اقتصادی اقشار محروم و ارائه ابزارهایی برای گفتمان‌سازی و تعامل میان گروه‌های مختلف، می‌تواند نقشی حیاتی در بازسازی اعتماد عمومی و

«فرهیختگان» به بررسی طرح ترامپ برای توقیف نفتکش‌های ایران در تنگهٔ مالاکا می‌پردازد

۲ مسیر دورزدن جنگ نفتی ترامپ

و چین محسوب می‌شود.

پاسخ نظامی ایران؛ نفتکش در برابر نفتکش

اما سؤال اصلی اینجاست که در مواجهه با نقشه جدید ترامپ، دولت ایران باید چه سیاستی را پیگیری کند؟ در دوفاز کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌توان راهکارهایی را پیشنهاد داد. در کوتاه‌مدت، قطعاً پاسخ ایران باید از جنس نظامی و مشابه اقدامات آمریکا باشد. یعنی مابه‌ازای توقیف هر نفتکش حامل نفت ایران، باید نفتکش حامل نفت آمریکا و متحدانش توسط نیروهای مسلح ایران توقیف شود.

پیش‌تر ایران تجربه توقیف نفتکش‌های آمریکایی و اسرائیلی را داشته است. سرلشکر سلاهی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۷ شهریورماه امسال در مصاحبه‌ای عنوان می‌کند: «در دریای سرخ و مدیترانه ۱۴ کشتی از ما زنده که نفت صادر نشود. ما اوایل متوجه نبودیم که چه کسی این کشتی‌ها را می‌زند اما بالاخره متوجه شدیم که رژیم صهیونیستی است؛ به‌گونه‌ای که مروزانه و مهم این کار را انجام می‌دادند.»

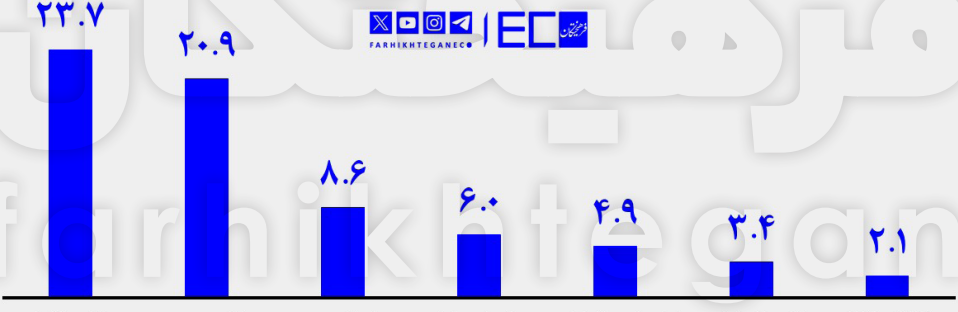
وی اظهار داشت: «در شمال اقیانوس هند و در جاهای مختلف ۱۲ کشتی از رژیم صهیونیستی زده شد و وقتی کشتی پنجم را زدیم، دست آنها بالا رفت و گفتند که نبرد کشتی‌ای را متوقف می‌کنیم. انگلیسی‌ها نفتکش‌ها را در جبل الطارق گرفتند و وقتی ما کشتی‌ی آنها را گرفتیم و مبادله کردیم، آنها تسلیم شدند. دو کشتی ما را در یونان گرفتند و ما دو کشتی از آنها گرفتیم و آنها تسلیم شدند.»

ترانزیت نفت از گلوگاه‌های مهم دنیا

تصویر۲

(میلیون بشکه در روز)

منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا



همچنین به‌واسطه نگاه سنتی به توسعه، زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه صنایع خلاق نیز مغفول مانده، ازجمله حمایت مالی، آموزش نیروی انسانی متخصص و قوانین حمایتی کسب‌وکارهای خلاق از مهم‌ترین چالش‌های موجود صنایع خلاق در ایران بوده است که درکنار کمبود این زیرساخت‌ها مانع از رشد مطلوب این صنایع شده است. درکنسار دو چالش فوق، نبود نگاه همه‌جانبه به امنیت ملی نیز موجب کم‌توجهی به اهمیت صنایع خلاق در تحقق اهداف امنیت ملی ایران شده است. توجه به اهداف امنیت ملی همچنان در تعاریف سنتی خود نتوانسته است ابزارهای جدید را برای حل معضلات اساسی کشور شناسایی کند و این مسئله موجب از بین رفتن فرصت‌های بسیار مؤثر فرهنگی برای ترمیم گسل‌های اجتماعی کشور شده است.

نتیجه‌گیری

صنایع خلاق، با توانمندی‌های چندبعدی خود در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، یکی از ابزارهای کلیدی برای پیشبرد اهداف دولت وفاق ملی است. این صنایع می‌توانند با تقویت هویت ملی، ایجاد اشتغال و افزایش انسجام اجتماعی، نقش بسزایی در تحقق امنیت ملی و توسعه متوازن مدنظر دولتی ایفا کنند که به دنبال حرکت در مسیر حق و عدالت برای همه ایرانیان است. بااین حال برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها لازم است دولت و نهادهای سیاست‌گذار به‌طورجدی به این حوزه توجه کنند و با ایجاد زیرساخت‌های لازم و حمایت از فعالان این بخش، زمینه رشد و شکوفایی آن را فراهم آورند. اکنون زمان آن فرا رسیده که صنایع خلاق نه به‌عنوان یک حاشیه، بلکه به‌عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه ملی درنظر گرفته شود.

رفع اختلافات قومی و منطقه و در نتیجه انسجام ملی کمک می‌کند و با استفاده از این مزیت ارزشمند، موجبات رشد اشتغال پایدار نیز در مناطق مختلف بر خوردار و کم بر خوردار فراهم می‌شود و در نتیجه موجب کاهش مهاجرت به کلان شهرها خواهد شد.

۵- تقویت همکاری‌های بین المللی: صنایع خلاق به‌عنوان ابزار دیپلماسی فرهنگی، نقش مؤثری در همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کنند. برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و تبادل محصولات فرهنگی، زمینه‌ای برای ایجاد ارتباطات پایدار میان ملت‌ها فراهم می‌کند و مشکلات فرهنگی و هویتی را کاهش می‌دهد. این تعاملات می‌توانند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و جهانی از طریق ایجاد پل‌های ارتباطی میان فرهنگ‌ها کمک کنند. علاوه بر این، با افزایش فرصت‌های اقتصادی و هنری، فضای برای تقویت همکاری و اعتماد میان کشورها ایجاد می‌شود که می‌تواند در حل مسائل بین‌المللی و شکل‌دهی به دیپلماسی مؤثر نقش بسزایی ایفا کند. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه صنایع خلاق، این حوزه تاکنون از جایگاه شایسته خود در سیاست‌های کلان کشور برخوردار نبوده است. این کم‌توجهی بیشتر نشأت گرفته از عدم شناخت کافی از ظرفیت‌های این حوزه بوده است.

در این میان نگاه سستنی به توسعه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های صنایع خلاق است. در بسیاری از سال‌ها، تمرکز سیاست‌گذاران بر حوزه‌های سنتی اقتصاد، همچون صنایع سنگین و فروش منابع طبیعی، باعث شده است که اهمیت صنایع خلاق در اقتصاد ملی نادیده گرفته شود. درحالی‌که صنایع خلاق به‌عنوان یکی از صنایع بسیار کم‌هزینه در ایجاد اشتغال پایدار می‌تواند زمینه‌های توسعه بسیار زیادی را در کشور بدون ایجاد آسیبی جدید بر محیط‌زیست ایران فراهم آورد.

ایجاد همبستگی ملی ایفا کنند.

دولت وفاق ملی که با محوریت تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد توسعه متوازن فعالیت خود را آغاز کرده، می‌تواند صنایع خلاق را به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای تحقق این اهداف به کار گیرد. این صنایع که شامل بخش‌هایی همچون فیلم، موسیقی، طراحی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، بازی‌های ویدئویی، و رسانه‌های دیجیتالند، قادرند هویت ملی را تقویت و انسجام اجتماعی را افزایش دهند. صنایع خلاق به سه طریق می‌توانند در تحقق اهداف کلان ملی و تقویت وفاق ملی نقش آفرینی کنند:

۱- تقویت هویت و فرهنگ ملی: این صنایع با بازنمایی ارزش‌ها، باورها و میراث فرهنگی کشور، به تقویت هویت ملی کمک می‌کنند. در این دوران که هویت فرهنگی یکی از ارکان امنیت ملی محسوب می‌شود، تقویت هویت و فرهنگ از طریق صنایع خلاق می‌تواند به مقابله با تهدیدات نرم، ازجمله جنگ ترکیبی منجر شود.

۲- ایجاد ارزش افزوده اقتصادی: صنایع خلاق یکی از سریع‌ترین بخش‌های درحال رشد اقتصادی در جهانند و سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها دارند. در ایران توسعه این صنایع می‌تواند به اشتغال‌زایی اقشار محروم، افزایش صادرات فرهنگی و کاهش وابستگی به منابع طبیعی منجر شود.

۳- ارتقای انسجام اجتماعی: صنایع خلاق با تولید محتوایی که به تفاهم، احترام به تنوع و افزایش مشارکت اجتماعی کمک می‌کنند، می‌توانند شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهند و همبستگی ملی را تقویت کنند.

۴- تقویت اقوام و مناطق مختلف: همچنین به‌دلیل آنکه صنایع خلاق ریشه در خرده فرهنگ‌ها دارد، توجه به این حوزه به پیوند اقوام و

نزولی سطح رفاه خانوارهای دارای سرپرست شاغل است که به مرور باعث شده که از اهمیت اشتغال در نظام تولید ایران کاسته شود. در حقیقت با کاهش اهمیت اشتغال در تولید و رشد اقتصادی اشتغال دیگر توضیح‌دهنده مناسبی برای خروج خانوار از خط فقر نخواهد بود. در نتیجه انگیزه‌های کار برای دستیابی به درآمد برای سطح رفاهی بهتر کاهش می‌یابد که ششاید بتواند دلیلی برای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران قلمداد شود. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه افزایش حداقل دستمزد در سطحی بالاتر از تورم در سال ۱۴۰۱، اقتصاد ایران نیازمند ترمیم دستمزدها در سال آینده است به گونه‌ای که اشتغال بتواند از فقر خانوار دارای سرپرست خانوار جلوگیری کند. این پدیده ضمن تضمین تقاضای از دست‌رفته ممکن است انگیزه‌های اشتغال رسمی را افزایش داده و محرکی برای رشد اقتصادی محدود شده در ایران باشد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد حداقل دستمزد بیش از آنکه روی فقرا اثر داشته باشد روی غیرفقرا نزدیک خط فقر اثر دارد. به بیان دیگر اگرچه سیاست حداقل دستمزد در زمینه خروج فقرا از محدوده فقر کارایی زیادی ندارد اما می‌تواند با احتمال بیشتری از ورود خانوارهای جدید به ورطه فقر جلوگیری کند.

تعادل میان مدت با شاخص‌های اقتصاد کلان رسیده است. تالطم‌های اقتصادی و تورم‌های شدید در نیمه دوم دهه ۹۰ قدرت خرید جامعه را تا حد زیادی کاهش داده و این در حالی بود که کبک اقتصادی کشور به مرور کوچک شده و در نتیجه با شغل‌های با کیفیت و درآمد پایدار ایجاد نشده است یا درآمد و دستمزد از تورم و قیمت‌ها عقب افتاده‌اند. به همین جهت به مرور تصمیم‌گیری در خصوص حداقل دستمزد و دوگانه‌هایی که در مورد میزان افزایش حداقل دستمزد به وجود می‌آید، چالش برانگیزتر می‌شود. فارغ از این دوگانه‌های مرسوم در تعیین حداقل دستمزد نگاه این گزارش به حداقل دستمزد از زاویه فقر است. به این معنی که شاخص‌های اشتغال و دستمزد با شاقولی به نام خط فقر سنسجیده شده و خلاصه‌ای از وضعیت رفاهی و اثرگذاری رفاهی حداقل دستمزد ارائه شود.

در بخش نتایج گزارش آمده است: ارزیابی حداقل دستمزد از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تاکنون نشان می‌دهد که در پنج سال اخیر به استثنای سال ۱۴۰۱ دستمزدها از تورم عقب افتاده‌اند. کاهش دستمزدهای حقیقی به علت محدود شدن رشد اقتصادی و سطح پایین بهره‌وری در اقتصاد ایران است. روند کاهشی دستمزد نسبت به خط فقر نشان‌دهنده روند

خانوار و میزان افزایش در درآمد آن‌هاست که افزایش با کاهش رفاه خانوار را موجب می‌شود. یکی از اصلی‌ترین کارکردهای محاسبه خط فقر تأثیر این شاخص روی سیاست‌های رفاهی است. از این رو است که حساسیت در تعیین خط فقر بسیار زیاد است. محاسبه خط فقر علاوه بر اینکه مبنایی بر اندازه‌گیری میزان فقر موجود و تغییرات آن در جامعه است می‌تواند معیاری باشد تا برخی از شاخص‌های سیاستی مانند حداقل دستمزد با آن سنسجیده شود به‌طوری‌که در برخی از کشورها خط فقر هم به‌عنوان یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفته می‌شود. مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر که هر دو از مفاهیم مهم اقتصادی بوده و به‌طور مستقیم با وضعیت معیشتی افراد و خانوارها مرتبط هستند، تحلیل‌هایی را از رفاه خانوار هسای نزدیک به خط فقر ارائه می‌دهد؛ خانوارهایی که به لحاظ رفاهی شکننده بوده و وابستگی شدیدی به درآمد ناشی از شغل دارند. اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ با افزایش نرخ فقر و پایداری فقر در سطح ۳۰ درصد روبه‌رو بوده است. با توجه به بنیه تولیدی و شرایط تحریمی اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ توانایی لازم برای رشد‌های اقتصادی پایدار و فراگیر را نداشته در نتیجه نرخ فقر ۳۰ درصد به یک

مرکز پژوهش‌های مجلس تشریح کرد

افزایش ناکافی دستمزدها؛ عامل بازتولید شاغلان فقیر

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «بررسی اشتغال و حداقل دستمزداز منظر فقر» به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخت است. در این گزارش آمده است: یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده رفاه خانوار درآمد خانوار است. درآمد خانوار را می‌توان به درآمد ناشی از کار (شغل) و درآمد غیرکاری حاصل از دارایی تقسیم‌بندی کرد که در نهایت درآمد قابل تصرف را می‌سازد. سهم قابل توجهی از این درآمد قابل تصرف به خصوص برای دهک‌های متوسط درآمدی را در آمد ناشی از شغل تشکیل می‌دهد. درآمد ناشی از شغل با همان دستمزد یک متغیر میاستی است که مطابق با ماده (۴۱) قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ سه‌راه شورای عالی کار موظف به تعیین دستمزد با توجه به نرخ تورم اعلامی از طرف بانک مرکزی به منظور تأمین هزینه‌های زندگی یک خانوار با تعداد متوسط است که مبنای عمل برای جریان خدمات در بخش خصوصی قرار می‌گیرد. لذا اجرای سیاست حداقل دستمزد از طریق حفظ قدرت خرید نیروی کار در برابر رشد قیمت‌ها گامی مهم در جهت حمایت از کارگران است. از سوی؛ میزان رفاه خانوار در هر سال وابسته به کم‌ویف اثرگذاری دستمزدها و تورم روی درآمد قابل تصرف و هزینه خانوار است در حقیقت برآیند اثر میزان رشد هزینه‌های